

گونه شناسی مواجهه‌های شایسته رفتاری در برابر آیات الهی

چکیده

قرآن کریم از انواع برخوردها و مواجهه‌ها با آیات خدا سخن می‌گوید؛ خواه آیات قرآن و خواه آیات آفرینش. مواجهه در برابر آیات الهی از اعتقاد آدمی نشأت می‌گیرد و در اعمال و رفتار او بروز داده می‌شود و بدین گونه برخوردها به دو گونه‌ی اعتقادی و رفتاری تقسیم بندی می‌گردند. برخی به صورت شایسته و مناسب در برابر آیات الهی رفتار می‌کنند و برخی برای رسیدن به مقاصد دنیوی خویش، حق آیات را زیر پا می‌گذارند و رفتارهای ناشایست و نامناسبی را در برابر آیات، از خود بروز می‌دهند. قرآن نیز بنا به تربیتی بودن مطالبش بر روی مواجهه‌های غیرشایسته و شایسته تأکید می‌کند و به ذکر جزئیات بیشتری در مورد برخوردهای غیرشایسته و شایسته می‌پردازد. رفتارهای مناسب و شایسته و بایسته همچون: دیدن و شنیدن آیات، تدبیر، تفکر، تفقه و تعقل در آیات و تذکر از آنها، شکر، گریه، سجده و ازدیاد ایمان در برابر آیات، یقین به آنها و...، و رفتارهای نامناسب و ناشایست و ناپسند، مانند: کوری و کری در قبال آیات، بی توجهی و غفلت و اعراض از آنها، مجادله و خوض باطل در آنها، نسیان آیات، کوچک شمردن و استهزاء آنها، مرور از کنار آیات و بی توجهی به آنها، دریافت آیات و منسلخ شدن از آنها، فروختن آیات به بهای ناچیز، ظلم و مکر در حق آیات و بستن راه مردم به سوی آنها، کفر، جحد، الحاد، عناد و تکذیب آیات و ... در این مقاله مواجهه‌های شایسته رفتاری در برابر آیات الهی استخراج شده و بحث و بررسی در رابطه با ماهیت اصلی و حقیقی آنها صورت گرفته است.

کلید واژه‌ها:

گونه شناسی، آیه، رفتار، شایسته

- ۱- سید نادر محمدزاده، گروه ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، استاد راهنما، nmohammadzadeh۳۵@yahoo.com
- ۲- فرهاد ادریسی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، استاد مشاور، fzedrisi@yahoo.com
- ۳- مرتضی اسکندری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، دانشجو، mmns۲۰۲۰@gmail.com و morteza.eskandari@iaui.ir

مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که باعث رسیدن انسانها به مقصد اصلی هدایت می‌شود توجه به آیات الهی است. آیاتی که برای انسانها به عنوان نشانه‌ای از قدرت و وجود عظمت الهی فرستاده شده است. ولی انسانها با بی‌توجهی و سهل‌انگاری در برابر آیات، موجبات گمراهی و ضلالت خویش را فراهم نموده و از مسیر اصلی هدایت خارج شده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند:

«کسی که قرآن بخواند، ولی قلبش رقت پیدا نکند و در برابر خداوند خاضع نشود و در درون، حالت حزن و خشیت و هراس نیابد، شأن و جایگاه والای خدا را سبک شمرده است. بنگر که کتاب پروردگارت را چگونه می‌خوانی و با منشور خویش چه برخوردی داری و اوامر و نواهی آن را چگونه پاسخ می‌دهی و حدود و تکالیف آن را چگونه امتثال و فرمانبرداری می‌کنی؟! در آیه‌های وعد و وعید، درنگ کن، در امثال و مواعظ قرآن اندیشه کن. مبدا اقامه حروف و قرائت ظاهر، تو را در تباه ساختن حدود آن بیندازد.»^۱

بر اساس این سخن گرانقدر امام صادق (علیه السلام) باید توجه کرد که آیا با تلاوت آیات الهی و همچنین مشاهده آنها، آیا رقت قلب و خضوع دل و همچنین حزن و خشیت به سراغ انسان می‌آید یا آنکه تنها تلاوت آنها از زبان برمی‌آید و در همانجا متوقف می‌گردد. باید توجه کرد که آیا انسان خود را مخاطب آیات الهی قرار می‌دهد یا آنکه مواعظ آن را مخصوص دیگران می‌داند در حالی که قرآن همه انسانها را مخاطب قرار می‌دهد.

در اینجا سوالهای فراوانی پیش می‌آید، از جمله آنکه آیا انسانها می‌توانند این برخوردها را کنترل کنند و زمینه‌های برخورد مناسب را در خود ایجاد کنند یا اینکه چگونگی مواجهه‌ها از قبل در وجود آدمی نهادینه شده است؟ برخوردهای شایسته و ناشایست از منظر قرآن کدامند؟ برخوردهای مختلف چه آثاری را در زندگی انسانها پدید می‌آورد؟ و . . .

گونه‌شناسی برخوردها و مواجهه‌های مختلف در برابر انواع آیات الهی، یکی از مهمترین موضوعات قرآنی است که تا به حال به صورت کلی به آن پرداخته نشده است. این عنوان می‌تواند هم برای کسانی که برای قرآن و آیه‌های الهی، حریم و حرمت قائل هستند، جالب باشد و هم برای کسانی که انواع مقابله و معارضه با قرآن را در پیش گرفته‌اند، مورد توجه قرار گیرد، تا با مروری مجدد بر حالات و رفتار خود اگر روزنه‌ی امیدی به بازگشت آنها هست، به دامن قرآن برگردند و خود را از گمراهی و انحراف نجات دهند.

تکیه اصلی این پژوهش در طرح و تبیین عناوین این رساله، بر اساس آیات قرآن بنا نهاده شده است و همچنین در جایی که لازم بوده، از ذکر احادیث و نظرات و گفتار اندیشمندان استفاده گردیده است. این پژوهش با روشی درون‌متنی به گردآوری آیات مرتبط در مورد هر برخورد و مواجهه در برابر آیات الهی پرداخته است. با توجه به گستردگی موضوع در این پژوهش بیشتر به آیات قرآن استناد شده است. مباحث اصلی پژوهش در پرتو تدبیر در آیات و با استفاده از تفاسیر، کتابهای حدیثی و اخلاقی پژوهش گردیده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهشی

خداوند در جای جای جهان آفرینش، آیات و نشانه‌های قدرت خویش را به عرصه‌ی ظهور گذاشت تا بلکه انسانها با برخورد مناسب در برابر آنها به راه هدایت دست یابند و به خاطر لطف و رحمت بی‌حدش نسبت به مخلوقات خویش، به آن نیز اکتفا نکرد، بلکه پیامبران را به همراه آیات روشن و آشکار الهی مبعوث کرد تا بدین وسیله به انسانها هشدار دهد و راه درست و صحیح را به آنها نشان دهد و قرآن را به عنوان معجزه‌ی جاوید الهی، برای هدایت همه‌ی انسانها نازل کرد و در آیات گران قدرش، مطالبی را که برای قرار گرفتن انسان در مسیر صحیح لازم بود، متذکر شد.

خداوند بنا به مصلحت خویش بر آن است که بندگان واقعی را از دیگر انسانها جدا سازد و عرصه را برای همه‌ی انسانها پدید آورد تا بلکه آنها صفات بالقوه‌ای که از صفات باری تعالی در آنها به ودیعت گذاشته شده است، به صفات بالفعل تبدیل کنند و در برابر مواجهه‌ی با آیات به حقایق الهی دست یابند، ولی انسانها در برابر آیات و نشانه‌هایی که شماره‌ی آنها از قدرت انسان خارج است، رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند در حالی که آیات برای همه به یک صورت به نمایش گذاشته شده‌اند و آن انسانها هستند که به صورتهای گوناگون در برابر آنها رفتار می‌کنند.

خداوند در آیات بسیاری از قرآن کریم این نکته را خاطر نشان کرده است که خداوند علیم و حکیم آیات الهی را برای مردم بیان می‌کند تا آنها به حقایق آیات دست یابند و بدین وسیله در مسیر درست قدم بردارند: (وَيَبِّينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)^۲

خداوند علاوه بر آن که آیات را به روشنی و وضوح بیان کرده آنها را به صورتهای گوناگون آورده است تا این که انسانها به سوی خداوند باز گردند و راه درست را پیدا کنند و به فهم آن بپردازند و به دلیل این راهنمایی، شکرگذار خداوند متعال باشند، ولی باز هم عده‌ی بسیاری از آنها از آیات الهی روی برمی‌گردانند: (... وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)^۳

مواجهه در برابر آیات الهی از اعتقاد آدمی نشأت می‌گیرد و در اعمال و رفتار او بروز داده می‌شود و بدین گونه برخوردها به دو گونه‌ی اعتقادی و رفتاری تقسیم بندی می‌گردند.

در این موضوع سوالهای زیادی مطرح گشته که به دلیل گستردگی مطلب نمی‌توان به همه آنها پاسخ داد و جا دارد در پژوهش‌های دیگر و با نگاه‌های متفاوت به آنها پاسخ داده شود و در این پژوهش تنها به سوال «برخوردهای شایسته رفتاری در برابر آیات الهی» پاسخ داده شده است.

از آنجا که همه مخاطبان آیات الهی، در برابر آن رفتارهای متنوعی از خود نشان می‌دهند، ضروری است که در این حوزه به بررسی و تحقیق با روشی صحیح و نو پرداخته شود. این مبحثی کاملاً به روز است و به صورت درون متنی در میان آیات قرآن کریم، به جستجوی انواع مواجهه در برابر آیات الهی می‌پردازد. در مباحث کلامی جدید بحث‌های جدی در مورد مواجهه با قرآن مطرح است که به قرآن، نه به عنوان یک کلام وحیانی بلکه به عنوان یک تجربه نبوی نگاه می‌کنند که دیگر افراد هم بنا به شرایطی می‌توانند آن تجربه را داشته باشند و این موضوع ماهیت قرآن را تهدید می‌کند. این پژوهش بر آن است که با بررسی اینگونه برخوردها با آیات الهی، نتایج و آثار آنها را بازگو کند و نشان دهد اینگونه مواجهه‌ها در طول تاریخ و در زمانهای مختلف از سوی انسانها نشان داده شده است و همچنین زمینه اینگونه مواجهه‌ها را معرفی کند تا با مدیریت ایجاد زمینه‌ها از چگونگی مواجهه‌ها در برابر آیات الهی مراقبت شود.

در این زمینه مطالعاتی بسیار و مقالاتی متعدد آن هم نه در زمینه گونه‌های برخورد با آیات، بلکه در زمینه آثار برخی از برخوردها نوشته شده است و یا اینکه به صورت اخلاقی به بررسی آنها پرداخته شده است که مطالعه‌ی آنها برای پیشبرد پژوهش مؤثر است. مانند:

۱. روش‌های هدایتی قرآن کریم، نوع نوشتار: پایان نامه، سال انتشار: ۱۳۷۲ سازمان (ها): دانشگاه تربیت مدرس* دانشکده علوم انسانی استاد راهنما: عباسعلی عمیدزنجانی | دانشجو: تقی جاویدان |
۲. هدایت در قرآن، نوع نوشتار: مقاله های همایش های ایران، سال انتشار: ۱۳۶۱، عنوان نشر: تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی نویسنده: عبدالله جوادی آملی
۳. اضلال الهی و مصادیق آن در قرآن، سال انتشار: ۱۳۸۸ سازمان (ها): دانشگاه الزهراء علیها السلام* دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما: فاطمه علایی رحمانی | دانشجو: حوا شیخ | مشاور: بی بی سادات رضی بهابادی

۴. عوامل ضلالت و گمراهی (۶ صفحه - از ۷ تا ۱۲ مجلات : فلسفه، کلام و عرفان « درس‌هایی از مکتب اسلام» بهمن ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۱۱ «گلستان قرآن» دی ۱۳۸۰ - شماره ۱۰۴ گلستان قرآن « دی ۱۳۸۰ - شماره ۱۰۴

۵. عوامل هدایت و ضلالت (۶ صفحه - از ۵ تا ۹ - از ۵۵ تا ۵۵) مجلات : فلسفه، کلام و عرفان « درس‌هایی از مکتب اسلام « اسفند ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۱۲

۶. بازکاوی هدایت و ضلالت در قرآن فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱ نویسنده : محمد امامی

۱. برخورد‌های شایسته رفتاری در برابر آیات الهی

برخورد‌های شایسته رفتاری، به گونه‌ای از برخوردها در برابر آیات الهی گفته می‌شود که در اعمال و رفتار انسانها قابل مشاهده است. مواجهه‌ها از اعتقادات آدمی نشأت گرفته و در رفتار انسان بروز می‌کند و شامل بیشترین نوع برخوردها در برابر آیات الهی می‌شود. در ادامه به ذکر انواع آنها پرداخته خواهد شد.

۱.۱. اخلاص و خلوص نسبت به آیات الهی

یکی از برخورد‌های شایسته رفتاری در برابر آیات الهی داشتن خلوص نیت در برابر آنهاست که یکی از آثار ایمان و پذیرش آیات الهی نیز به حساب می‌آید و مقصود از آن در فرهنگ اسلامی، پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل برای خداوند است. خدای تعالی در حدیث قدسی فرمودند:

«الإخلاصُ سرٌّ من أسرارِ إستودعته قلب من أحببت من عبادي»^۴

با توجه به این حدیث، اخلاص سرّی از اسرار الهی است که در دل بندگان محبوب خدا به امانت گذاشته شده است و اگر کسی به این مرتبه دست یافت، بزرگترین نعمت الهی نصیبش شده است. در اخلاق، به نیت اهمیت ویژه‌ای داده شده و از آن به صورت رکن و پایه رفتار و روح عمل، یاد شده است، به گونه‌ای که نبودن نیت درست، باعث بی‌ارزش شدن عمل می‌شود.^۵ عمل بدون نیت خالص، کالبد بی‌جان است و این انگیزه است که بین رفتار بیرونی و جان و روح فاعل، پیوند برقرار می‌کند. برخی گفته‌اند:

«اگر دین را که مجموعه معارف الهی و مسائل اخلاقی و احکام عملی است، تحلیل کنیم فقط به یک چیز منتهی می‌شود و آن اخلاص است، یعنی که انسان، ذات و صفات و افعالش را بر این اساس قرار دهد که همگی آنها برای خداوند واحد قهار است.»^۶

حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرب به او است.^۷ در قرآن به صورت‌های گوناگونی به حقیقت اخلاص پرداخته شده است. تعبیر برخی آیات، به جا آوردن عبادات و اعمال و قرار دادن همه شؤون زندگی و مرگ فقط برای خدا (لله) می‌داند.

و در تعبیر آیاتی دیگر، انجام دادن عمل برای طلب وجه خدا است. مقصود از طلب وجه الله، آن است که هدف انسان در اعمالش کسب فیض از رحمت الهی باشد و از آنچه نزد غیر خداوند است، روی برگرداند. انجام دادن عمل برای طلب وجه الهی، همچنین در آیات دیگری با تعبیر طلب رضوان الهی مورد تأکید قرار گرفته است.

و دیگر آنکه تعبیر خالص کردن دین برای خدا بیان شده است. خالص کردن دین برای خدا، حالتی است که برای برخی از انسانها با اختیار خودشان پدید می‌آید.

البته همه انسانها حتی کافران، در وضعیتی که از همه چیز ناامید شوند، به مقتضای فطرت الهی خویش بی‌اختیار، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند. آیاتی از قرآن به این مطلب اشاره می‌کند که وقتی انسانها در کشتی، گرفتار طوفان شده و بیم هلاک شدن داشته باشند، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند. براساس آیات دیگری، حقیقت اخلاص آن است که انسان فقط خدا را عبادت کند. در آیاتی نیز حقیقت اخلاص، با نفی هرگونه شرک و ریا تبیین شده است، چنان که در آیه ۱۱۰ کهف می‌فرماید:

(... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)

یکی از اغراض در آفرینش مرگ و زندگی، آن است که درجهٔ اخلاص انسانها با آزمایش الهی مشخص شود. از آیات قرآن استفاده می‌شود که درجات اخلاص گوناگون، و عنایت الهی به هر شخص، به اندازهٔ اخلاص اوست و اختلاف سنگینی اعمال به اختلاف درجهٔ اخلاص در آنها مربوط می‌شود.

در روایات نیز برای نیت و اخلاص در عبادت، درجات گوناگونی ذکر شده است، چنان که عبادت برخی به دلیل ترس از عذاب الهی، عبادت برخی دیگر به امید رسیدن به ثواب الهی و عبادت آزادگان از روی محبت و برای شکرگزاری از خداوند دانسته شده است.^۸ راه گروه آخر در عبادت، راه معرفت و محبت بوده و از نظر آنان، روش دو گروه دیگر فاقد اخلاص کامل است و در آن شائبه‌ای از شرک و خودپرستی به چشم می‌خورد، زیرا این دو گروه، برای رهایی از عقوبت یا رسیدن به نعمت، خدا را عبادت می‌کنند و اگر برای رسیدن به این هدف، راهی دیگر جز عبادت پیش روی خود می‌دیدند، آن را نیز بر می‌گزیدند.^۹ خداوند در قرآن مخلصین را کسانی معرفی می‌کند که خداوند تعالی، آنان را برای خود خالص کرده است. در شماری از آیات، از انسان‌هایی با عنوان مخلصین به صیغه مفعول یاد شده است، یعنی انسان‌هایی که خداوند آنها را پاک و خالص کرده است. علامه طباطبایی در زمینه می‌نویسد:

«درباره هدف از برگزیدن مخلصین باید گفت: لازم است خداوند همواره در میان انسان‌ها، افرادی را برانگیزاند که اخلاص کامل داشته و دارای نفوس پاک، قلوب طاهر و فطرت مستقیم توحیدی باشند تا توحید در جامعه بشری را حفظ کنند.»^{۱۰}

اخلاص، معیار ارزش عبادت، مقامی از مقامات مقربان الهی و هدف دین و یکی از بهترین برخوردهایی است که از سوی بشر در برابر آیات الهی نشان داده شده است. هر کس آن را یافت، موهبتی الهی نصیبش گشته که به وسیله آن به مقامات بزرگی خواهد رسید. خداوند متعال، بندگانش را به آن امر کرده، می‌فرماید:

(فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)^{۱۱}

در سخنان پیشوایان معصوم، تعبیر گوناگونی، از قبیل بهترین عبادت، ثمرهٔ عبادت، غایت دین، عبادت مقربان الهی و مانند آن دربارهٔ فضیلت اخلاص آمده است. در اهمیت اخلاص همین بس که شرط قبولی عمل است و اگر در عملی موجود نباشد، بی‌هدف و بی‌نتیجه خواهد بود. از این رو امام علی (علیه السلام) فرمود:

«من لم يصحب الإخلاص عمله لم يقبل.»^{۱۲}

خالص کردن و پاکیزه نمودن عمل از غیر خدا مراتبی دارد. هر چه درجهٔ اخلاص بیشتر باشد، عمل ارزش بیشتری نزد خدا پیدا می‌کند، به هدف و مقصد نزدیک‌تر شده و شخص را زودتر به کمال مطلوب خود می‌رساند و هر چه درجه اخلاص کمتر باشد، به همان اندازه از ارزش عمل کاسته شده و شخص از کمال مطلوب باز می‌ماند و از این رهگذر درجات مؤمنان در نزد خدا متفاوت خواهد بود، چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمود:

«بإِخْلَاصٍ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۲}

اگر کسی از روی خلوص نیت، رو به سوی خدا کند، در برابر عظمت او اشک از چشمانش سرازیر خواهد شد و مواجهه‌های مثبت دیگری در برابر آیات از خود بروز خواهد داد.

۱،۲. سجده و تسبیح در برابر آیات

یکی از مهمترین برخوردهای شایسته رفتاری در برابر آیات الهی سجده و تسبیح در برابر آیات الهی است که معمولاً پس از تسلیم شدن و ایمان آوردن در برابر آیات الهی، از انسانها نشان داده می‌شود. در قرآن کریم اینگونه برخورد در برابر خداوند به تمام موجودات اختصاص داده شده است و در آیات متعددی از قرآن کریم، تمام موجودات عالم را در حال سجده بر خدا معرفی می‌شوند.

خداوند، تمرّد از سجود، یعنی سرپیچی از اطاعت و عبادت خودش را، سبک انگاشتن حق حساب کرده و سبک انگاری حق را، سبک کردن شخصیت انسان به دست خویش برشمرده است و هر کس به خفت و خواری و سبکی که معلول سرپیچی از فرمان خداست گرفتار شود، راهی برای مکرمت و بزرگواری و شخصیت نخواهد داشت و دربارهٔ سجود موجودات می‌فرماید:

(أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُونَ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالْشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ* وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)^{۱۴}

و نیز در قرآن مجید می‌فرماید:

(و لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)^{۱۵}

با توجه به آیات ذکر شده در قرآن کریم تمام موجودات آفرینش سر تسلیم در برابر یکتای بی همتا فرود می‌آورند و در برابر عظمت او به سجده می‌افتند. بنابراین برای اینکه انسان بخواهد به هدایت و درستی برسد باید با دیگر موجودات هم سو و هم جهت شود و در برابر آیات الهی به سجده بپردازد و خدای بی همتا را تسبیح و تنزیه کند و به خاطر نعمت‌های فراوانی که در اختیار او قرار داده است، او را حمد و شکر کند.

سجده ایمان آورندگان به درگاه الهی جهت عرض حال، تقصیر و شکر می‌باشد که بارزترین نمونه آن را در فعل و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) مشاهده می‌شود و نیز در قرآن مجید، سجده یکی از نشانه‌های بندگان حقیقی خود شمرده شده است و می‌فرماید:

(إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) ^{۱۶} در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید:

(تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) ^{۱۷}

فیلسوف بزرگ اسلامی مرحوم صدر المتألهین شیرازی در توضیح این دو آیه می‌فرماید:

«در این دو آیه سه خصوصیت علمی قلبی و سه خصوصیت عملی جسمی برای مؤمن ذکر شده، تا در پرتو این شش برنامه روشن شود که کلمه شهادت بدون معرفت برهانی یا کشفی موجب آزادی از شقاوت ذاتی علمی نیست و به عبارت دیگر علم تنها، که محصول یادگرفتن یک سلسله الفاظ است بدون تعمق برهانی یا کشفی در مفهوم و حقیقت آن علت نجات نیست و مجرد اعمال بدنی بدون تهذیب و تزکیه باطن موجب نجات از عذاب الیم نیست.» ^{۱۸}

۱,۳. حمد و شکر در برابر آیات الهی

یکی دیگر از برخوردهای شایسته رفتاری در برابر آیات الهی حمد و سپاس در برابر آیات الهی است که به حمد و سپاس از خالق آنها منجر می‌گردد. چنانچه خداوند در قرآن کریم تمام موجودات آفریده شده را، در حال تسبیح و حمد پروردگار معرفی می‌کند، در حالی که انسانها از درک آن غافل هستند؛

(تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ شَيْءٌ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) ^{۱۹}

قرآن کریم می‌فرماید:

«ای آل داود، شکر این همه نعمت را به جای آورید.» ^{۲۰} از این آیه دریافته می‌شود که شکر، بیشتر از مقوله‌ی "عمل" است و باید آن را در لابه‌لای اعمال انسان دریافت و شاید به همین علت، قرآن کریم تعداد شکرگزاران واقعی را اندک شمرده است و در آیه ۷۳ سوره نمل نیز می‌فرماید:

(وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ)

از طرف دیگر، با توجه به این نکته که نعمت‌های خداوند که سر تا پای وجود انسان را احاطه کرده، آنقدر زیاد است که قابل شماره نیست، روشن است که چرا شکر به مفهوم واقعی‌اش در برابر تمام نعمت‌ها به گونه‌ای که همه را بدون استثنا در طریق بندگی خدا (که نعمت‌ها برای آن آفریده شده است) به کار گیرد کمتر یافت می‌شود.

به تعبیر دیگر و به گفته بعضی از مفسران بزرگ، "شکر مطلق" آن است که انسان همواره به یاد خدا باشد، بدون هیچ گونه فراموشی و در راه او گام بردارد، بدون هیچ گونه معصیت و خالی از هرگونه سرپیچی اطاعت فرمان او کند و مسلم است که این اوصاف در کمتر کسی جمع می‌شود. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) شکر به معنای پرهیز از گناهان تعبیر شده است؛

«شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ»^{۲۱}

شکرگزاری بدرگاه الهی از مهمترین برخوردهای انسان در برابر آیات الهی است. گرچه نعمت‌ها و فضل پروردگار بسیار زیاد می‌باشد و قابل احصاء نیست، اما همین معرفت و شناخت که بشر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه‌ای بر رویش این برخورد در وجود او خواهد بود. همچنین علامه طباطبائی در توضیح آیه (... سیجزی الله الشاکرین) می‌فرماید:

«و حقیقت شکر اظهار نعمت است. چنانکه حقیقت کفری که مقابل آن است، اخفا نعمت می‌باشد و اظهار نعمت عبارت از استعمال آن در محلی است. پس شکر خدا به این است که انسان نعمت را در محل خودش بکار برده و در موقع استفاده از آن نیز متذکر خدا بوده باشد.»^{۲۲}

شکر حالتی نفسانی است که در نتیجه معرفتی خاص حاصل می‌شود و رفتاری خاص را موجب می‌گردد. معرفتی که پدیدآورنده‌ی این حالت نفسانی است، شناخت نعمت و نعمت دهنده و شناخت این حقیقت است که این نعمت از سوی آن منعم عنایت شده است. شکر خداوند به این معناست که درک شود که هر نعمتی که به انسان می‌رسد، از سوی خداست و هر چیز دیگری که واسطه رسیدن نعمت‌ها است، نیز به اراده خداوند واسطه رسیدن نعمت شده است. حالت روحی خاصی که در اثر این معرفت حاصل می‌شود شکر نامیده می‌شود. قرآن کریم تشکر از خدا را قرین با ذکر پروردگار می‌داند.

یاد کردن و شکر الهی تنها یک ذکر زبانی صرف نیست بلکه منظور از ذکر در آیه ۱۵۲ سوره بقره، پاک ساختن روح و جان از رذایل و آماده شدن آن برای پذیرش رحمت پروردگار است و منظور از شکر استفاده کردن هر نعمتی به جای خود و در همان راهی است که برای آن آفریده شده است. به عبارتی دیگر می‌توان بیان داشت که شکر در برابر آیات آن است که انسان همیشه و در همه حال بدون فراموشی به یاد خدا باشد و بدون انجام گناه به دستورات الهی گردن نهد.

توفیقی که انسان به هنگام شکر و عبادت به درگاه حق به دست می‌آورد، نعمتی است ارزنده که خداوند او را بدان مفتخر نموده و لازم است به پاس این شکرگزاری به شکری دیگر بپردازد. چنانچه امام سجاد (علیه السلام) در مناجات شاکرین می‌فرماید:

«چگونه می‌توانم حق شکر تو را به جای آورم در حالی که همین شکر من نیاز به شکر جدیدی دارد و هر زمانی که می‌گویم الحمدلله بر من فرض است که بخاطر همین توفیق شکرگزاری بگویم: الحمدلله». نعمت‌های الهی افزون بر شکر و حمد انسان‌هاست و یادآوری این مطلب که بشر از سپاسگزاری الطاف بی‌حدّ الهی عاجز است نزول نعمت از جانب پروردگار را بیشتر نموده و زمینه این امر را تحقق می‌بخشد. شکر به هنگام برخورداری از نعمت‌ها و یادآوری عظمت و ارزش آنها اعم از مادی و معنوی، موجبات تقرب به درگاه الهی و قرار گرفتن در بستر پرستش حق است که نهایت هدف جهان خلقت می‌باشد. انجام اعمال صالح و بروز رفتار صحیح و پسندیده از جلوه‌های شکرگزاری و بیانگر تواضع، معرفت و شناخت بندگان با ایمان است و مسلماً باید خداوند را به عمل شکر گفت، اما بزرگان و پیشوایان دین حمد و سپاس از طریق زبان را نیز نوعی شکرگزاری دانسته‌اند.

انسان شاکر در فیض هستی و سرچشمه رحمت و نعمت الهی تفکر می‌کند و از رهگذر این اندیشه به باوری می‌رسد که رشته هستی، او را به طور عملی و عینی به بارگاه پروردگار ربط می‌دهد، چنین تفکر و باوری موجب می‌شود که انسان حتی لحظه‌ای از عمر خود را تباه نسازد و اوقات گرانبهای خویش را به عبث نگذراند و از تلاش در جهت تزکیه و سبقت در تحصیل خیرات و کمالات دست بر ندارد و برای نیل به مکارم و فضایل اهتمام ورزد.

شکرگزاری از نعمت‌های خداوند، عادت و حالتی در نفس انسان پدید می‌آورد که همواره می‌تواند نعمت‌هایی را که در اختیار او قرار می‌گیرد، بشناسد و با شناخت نعمت‌ها، مجاری رسیدن آنها به خود را شناسایی کند. این ویژگی موجب می‌شود فرد مؤمن، سپاسگزاری از انسان‌هایی که مجاری رسیدن خیری به او بوده‌اند، را فراموش نکند.

نکته آخر آنکه چهارده بار در قرآن کریم، تسبیح با حمد و قبل از آن آمده است مثل (سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ) ۲۳ در جواب اینکه چرا خدای متعال تسبیح و تنزیه خود را مقدم بر حمد بیان کرده است. علامه طباطبائی (ره) در این زمینه می‌نویسد:

«مخلوق خدا به هر وضعی او را بستاید، به همان مقدار به او و صفاتش إحاطه یافته است و او را محدود به حدود آن صفات دانسته و به آن تقدیر، اندازه گیری کرده، و حال آنکه خدای تعالی محدود به هیچ حدی نیست نه خودش و نه صفات و اسمائش و نه جمال و کمال افعالش چرا که «لَا يُحِيطُونَ بِعِلْمِهِ» پس اگر بخواهیم او را ستایش صحیح و بی اشکال کرده باشیم باید قبل از حمد خود، او را منزّه از تحدید و تقدیر خود کنیم.» ۲۴

۱.۴. ذکر آیات الهی

یکی دیگر از انواع برخورد های شایسته که از انسانها در برابر آیات نشان داده شده است، ذکر آیات الهی و خداوند است. قرآن کریم، ذکر را غایت نماز دانسته است و فرموده است که شرط آنکه خداوند، بندگان را یاد کند، این است که آنان او را یاد کنند. همچنین، ذکر را از صفات خردمندان بر شمرده ۲۵ و مایه آرامش دل‌ها ۲۶ و رویگردانی از آن را موجب سختی و تنگی معیشت دانسته است. ۲۷ در وصف بندگان نیک خدا فرموده است:

«آنان مردانی‌اند که داد و ستد و خرید و فروش از یاد خدا بازشان نمی‌دارد.» ۲۸

قرآن فرمان می‌دهد که مسلمانان همواره به یاد خدا و نعمت‌های الهی باشند و در مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، دل خویش را به یاد پروردگار نیرو بخشند و یکی از ویژگی‌های منافقان را غفلت از یاد خدا دانسته و اگر آنها او را یاد کنند، از روی خودنمایی است. ۲۹

قرآن از پیامبران الهی خواسته است تا خدا را یاد کنند و نعمت‌هایش را به فراموشی نسپارند و این را مایه قرب آنان به پروردگار دانسته است. همچنین اقوامی همانند بنی اسرائیل را به دلیل فراموش کردن خدا، به سختی نکوهیده است. ۳۰

منظور از ذکر خدا تنها یادآوری به زبان نیست، که زبان ترجمان قلب است، هدف این است با تمام قلب و جان به ذات پاک خدا و آیات الهی توجه شود، همان توجهی که انسان را از گناه باز می‌دارد و به اطاعت فرمان او دعوت می‌کند، به همین دلیل از پیشوایان اسلام نقل شده است که منظور از ذکر، یادآوری عملی است. ذکر را همچنین وسیله ارتباط با خدا دانسته‌اند و نشانه آن، نسیان غیر است. ۳۱

از آیات قرآنی و سخنان اولیای گرامی اسلام، استفاده می‌شود که ذکر عبارت است از یاد خدا در همه احوال و پیشامدها و توجّه به حضور در محضر الهی و او را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش دانستن و این که هیچ امری بر او پوشیده نمی‌ماند. به عبارت دیگر، ذکر حالت روحی خاصی است که انسان در آن حال، دانسته خویش را مورد توجّه قرار می‌دهد و گاهی به یادآوری چیزی با زبان و گاهی به حضور چیزی در قلب گفته می‌شود.

ذکر خدای سبحان از بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال نزد خدا، برترین لذّت نزد دوستداران خدا، خوی و خصلت خوب مؤمنان و صالحان و نشان همنشینی با محبوب واقعی بوده و مایه شرافت و رستگاری انسان می‌باشد و در آیات قرآنی و روایات اسلامی مورد سفارش واقع شده است؛

مقصود حقیقی از ذکر خدا، رسیدن به درجه‌ای از ایمان و اعتقاد است، که انسان بر اثر آن، پیوسته خود را زیر نظر خدا دانسته، و در نهان و آشکار، او را شاهد و ناظر اعمالش بداند و از زشتی‌ها دوری گزیده و وظایف خود را برابر او انجام دهد. به عبارت دیگر، حقیقت ذکر، توجّه قلبی به خداوند متعال است که در اعمال انسان پرتو افکند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

« مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ. »^{۳۲}

در روایتی امام صادق (علیه السلام) از جمله سخت‌ترین تکالیف خداوند بر بندگانش را به یاد خدا بودن در هر جا شمرده، «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ مَوْطِنٍ» می‌فرماید: منظور از ذکر خدا، گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» نیست - گرچه این‌ها هم ذکر است - بلکه مقصود آن است که اگر انسان با حرام خدا روبه رو شد، یاد خدا او را، از آن باز دارد.^{۳۳}

از این احادیث، بخوبی روشن می‌شود منظور از ذکر، تنها ذکر زبانی نیست، گرچه ذکر زبانی هم ذکر بوده در مکتب اسلام دارای اهمّیت است، لکن مقصود حقیقی از ذکر خدا، رسیدن به درجه‌ای از ایمان و اعتقاد است، که انسان بر اثر آن، پیوسته خود را زیر نظر خدا دانسته، و در نهان و آشکار، او را شاهد و ناظر اعمالش بداند و از زشتی‌ها دوری گزیده و وظایف خود را برابر او انجام دهد. به عبارت دیگر، حقیقت ذکر، توجّه قلبی به خداوند متعال است که در اعمال انسان پرتو افکند.

از راه‌های پرورش ایمان، ذکر است. ذکرهای زبانی، وجود و حضور خداوند را به انسان تلقین می‌کند و ضمیر او را دگرگون می‌سازد و سرانجام به ذکر قلبی می‌انجامد. مهم‌ترین فایده ذکر، تقرب به خدا است که غایت همه عبادات است. ذکر خدا، وسوسه‌های شیطانی را از میان می‌برد، ثواب و اجر اخروی را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. به ویژه برای بندگان که به امور دنیوی نیز مشغول‌اند، مایه وقار و هیبت و شوکت است، احساس پوچی و بیهودگی را می‌زداید و نیز در زندگی مادی انسان نیز دارای اثر است و راه تربیت اخلاقی را هموار می‌سازد و این بدان سبب است که غفلت و فراموشی خدا از مهمترین علل گناهکاری و بزهکاری است.

۱.۵. گریه در برابر آیات الهی

یکی دیگر از برخوردهای شایسته در برابر آیات الهی گریه در برابر آن هاست، انسان مؤمن چون به حق تعالی ایمان دارد و ارتباط روحی و عملی با او پیدا می‌کند، از عظمت خاصی نزد خداوند متعال برخوردار است، به ویژه آن زمانی که این ارتباط را برقرار می‌کند و چون در برابر حق تعالی خضوع دارد هر چیزی که نشانه‌ی این خضوع باشد آن نیز عظمت پیدا می‌کند، از این جهت قرآن کریم پس از ذکر انبیاء اولوالعزم و غیر ایشان در توصیف آنها می‌فرماید:

«زمانی که آیات الهی بر آنها خوانده می‌شود آنها در حالی که اشک از چشمانشان سرازیر می‌شود بر خاک سجده فرو می‌افتند.»^{۳۴}

در آیه‌ی دیگر حالت گریه از خضوع خداوند و به سجده افتادن را از اوصاف صاحبان علم به حقانیت دین الهی معرفی کرده است. آنها در برابر خدا به سجده می‌افتند و در برابر عظمت او به گریه می‌افتند و به همین دلیل خداوند بر خشوع آنها می‌افزاید،^{۳۵} عظمت گریه کردن از خوف خداوند متعال به دلیل آن است که با حالت گریه دگرگونی واقعی از رفتارهای خویش در انسان ایجاد می‌شود و تا حدود زیادی موجب می‌شود که انسان، دنبال معصیت نرود، از این جهت قطره اشک محبوب خداوند بوده و موجب تقرب انسان به اوست.

زمانی که منشاء اشک چشم، ایمان به خداوند و قیامت باشد بسیار عظمت دارد و یکی از اسباب مهم تحریک انسان به سوی کمال، پرهیز از گناه و عبادت و محب حق شدن و در نهایت قرب به او پیدا کردن است. از این جهت خداوند متعال بندگان مقرب خود را متصف به این حالت دانسته است. امام علی (علیه السلام) نیز در این زمینه می‌فرماید:

«الْعُبُودِيَّةُ خَمْسَةُ أَشْيَاءَ: خَلَاءُ الْبَطْنِ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَقِيَامُ اللَّيْلِ، وَالتَّضَرُّعُ عِنْدَ الصُّبْحِ، وَالبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.»^{۳۶}

مومنان و ایمان آورندگان و پیامبران و برگزیدگان و هدایت یافتگان، در برابر آیات الهی به سجده می‌افتند در حالی که به دلیل شناختن حقیقت و دیدن آیات خداوند، اشک از چشمانشان سرازیر می‌شود.

۱.۶. خضوع و خشوع در برابر آیات الهی

یکی دیگر از برخوردهای شایسته در برابر آیات الهی، داشتن خضوع و خشوع در برابر آن هاست که قرآن کریم در وصف بندگان خدا، آن را بیان کرده است. ایمان و اعتقاد به خدا، تمام شؤون زندگی انسان مؤمن را در بر می‌گیرد. آنگونه که آثار بندگی خدا در رفتار و گفتار او آشکار می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) فروتنی را از بزرگترین عبادت‌ها شمرده است «عَلَيْكَ بِالتَّوَضُّعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ»^{۳۷}

نه تنها از انسانها در برابر آیات الهی رفتاری هم چون خضوع و خشوع انتظار می‌رود^{۳۸} بلکه دیگر مخلوقات نیز در برابر آیات الهی از خود خضوع و خشوع نشان می‌دهند. قرآن کریم در مورد خضوع و خشوع کوه در برابر آیات الهی می‌فرماید:

«اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم، یقیناً آن کوه را از بیم خدا فروتن و از هم پاشیده می‌دیدى و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.»^{۳۹}

۱.۷. تلاوت آیات

یکی دیگر از مهمترین برخوردهای شایسته رفتاری در برابر آیات الهی تلاوت آیات است. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه فرمودند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً.»^{۴۰}

قرآن کریم همهٔ مسلمانان را به قرائت قرآن دعوت نموده است^{۴۱} و برای آن ثواب و فضیلت زیادی وارد شده است. کسی که با قرآن مأنوس شد وظیفه دیگری هم نسبت به آن دارد که خداوند در قرآن، وظیفه بعدی مسلمانان را در قبال قرآن، تدبّر و متذکّر شدن از آیات الهی بیان می‌کند.^{۴۲}

یکی از آداب تلاوت قرآن توجه به معانی قرآن و اندیشیدن در آیات آن است. به این معنا که هر مسلمانی موقعی که قرآن می‌خواند باید به معانی آیات توجه کند، پیام آیه را بفهمد و خود را مخاطب کلام خدا بداند تا زمینه عمل به آیات قرآن کریم را در خود فراهم سازد.

در قرآن خداوند گروهی از اهل کتاب را به عنوان افراد مومنی معرفی می‌کند که رفتار درستی در برابر آیات الهی دارند و به تلاوت آیات الهی در دل شب می‌پردازند و سجده می‌کنند و نماز می‌خوانند و اینگونه دل خود را، از انواع گناه‌ها پاک می‌کنند.^{۴۳} زیرا تلاوت آیات در دل شب به دور از عجب و ریا و برای فهم آن‌ها، زمینه‌ی دریافت حقایق را برای فرد مومن فراهم می‌کند.

۲. نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده از پژوهش برخوردهای اعتقادی به برخوردهایی گفته می‌شود که از ذهن و فکر آدمی نشأت می‌گیرد و برخوردهای رفتاری به برخوردهایی گفته می‌شود که در مرحله پس از برخوردهای اعتقادی قرار گرفته است و از ذهن و فکر انسان به اعضاء و جوارح او منتقل شده است و در اعمال و رفتار انسان بروز داده می‌شود. قرآن قصد تربیت و تعلیم دارد و برای آنکه انسانها را به راه درست و صحیح رهنمون کند نیاز است در مورد راه نادرست و رفتار غلط تأکید بیشتری داشته باشد و حتی جزئیات آن را به صورت کامل و دقیق بیان کند تا بدین وسیله ریشه‌های آن را در آدمی خشک کند به همین دلیل زمانی که در مورد برخوردها و مواجهه‌های نامناسب صحبت می‌کند با لحنی تند و کوبنده و با ذکر جزئیات فراوان در مورد آنها سخن می‌گوید و زمانی که در مورد مواجهه مناسب سخن می‌گوید تنها با اشاره ای کوتاه از آن گذر می‌کند، زیرا قلب سلیم تنها با اشاره‌ای کوتاه راه درست را در پیش می‌گیرد و رفتار صحیح را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد.

Typology of worthy behavioral encounters with divine verses

۱- Seyed Nader Mohammadzadeh, Religions and mysticism group, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanzan, Iran, mentor, mobile phone ۰۹۱۲۸۰۹۵۱۰۴ , nmohammadzadeh۳۵@yahoo.com

۲- Farhad edrisi, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanzan, Iran, Consultant Professor, mobile phone ۰۹۱۲۱۴۱۴۶۹۱ , fzedrisi@yahoo.com

۳- Morteza Eskandari, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Zanzan, Iran, student, mobile phone ۰۹۱۲۵۴۲۳۵۳۰ , mmns۲۰۲۰@gmail.com , morteza.eskandari@iau.ir

Abstract:

The Holy Quran speaks of various types of encounters and confrontations with the verses of God; whether the verses of the Quran or the verses of creation. Encounters with the divine verses originate from a person's belief and are expressed in his actions and behavior, and thus encounters are divided into two types: belief and behavior. Some behave appropriately and appropriately towards the divine verses, and some, in order to achieve their worldly goals, violate the rights of the verses and display inappropriate and inappropriate behaviors towards the verses.

The Quran, due to the educational nature of its contents, also emphasizes inappropriate and inappropriate encounters and mentions in more detail about inappropriate and appropriate encounters.

Appropriate, worthy and necessary behaviors include: seeing and hearing the verses, pondering, thinking, understanding and reasoning in the verses and reminding them of them, gratitude, crying, prostration and increasing faith towards the verses, certainty in them, and so on., and inappropriate, unseemly, and distasteful behaviors, such as: blindness and deafness towards the verses, inattention, neglect, and rejection of them, arguing and engaging in false debates about them, forgetting the verses, belittling and mocking them, passing by the verses and ignoring them, receiving the verses and disowning them, selling the verses for a small price, oppression and deceit towards the verses and blocking people's path to them, disbelief, striving, atheism, stubbornness, and denying the verses, etc.

In this article, appropriate behavioral encounters with the divine verses have been extracted and a discussion and study has been conducted regarding their original and true nature.

Keywords: Typology, verse, behavior, worthy

Extended abstract:

One of the most important issues that helps people reach their main destination of guidance is paying attention to the divine verses. The verses have been sent to people as a sign of the power and existence of divine greatness. However, people, by being inattentive and negligent towards the verses, have created the causes of their own misguidance and error and have strayed from the main path of guidance.

Many questions arise here, including whether humans can control these encounters and create appropriate contexts for encountering them, or whether the nature of encounters is already institutionalized in human existence? What are appropriate and inappropriate encounters from the perspective of the Quran? What effects do different encounters have on human lives?

The typology of different encounters and encounters with various divine verses is one of the most important Quranic topics that has not been addressed in a general way until now. This title can be interesting both for those who believe in the sanctity and sanctity of the Quran and divine verses, and for those who have undertaken various confrontations and conflicts with the Quran, so that by reviewing their situations and behavior, if there is any hope of their return, they can return to the fold of the Quran and save themselves from misguidance and deviation.

The main focus of this research in designing and explaining the titles of this treatise is based on the verses of the Quran, and where necessary, mention of hadiths, opinions, and words of scholars have been used. This research has used an intratextual method to collect relevant verses about each encounter and confrontation with divine verses. Considering the breadth of the subject, this research has relied mostly on the verses of the Quran. The main topics of the research have been researched in the light of the wisdom in the verses and using commentaries, hadith and ethical books.

Since all the audiences of the divine verses show diverse behaviors towards them, it is necessary to study and research in this area in a correct and new way. This is a completely up-to-date topic and it searches for the types of encounters with the divine verses within the verses of the Holy Quran in an intratextual manner. In modern theological discussions, there are serious discussions about the encounter with the Quran, which look at the Quran not as a revealed word but as a prophetic experience that other people can also have depending on the circumstances, and this threatens the essence of the Quran. This research aims to examine such encounters with divine verses, recount their results and effects, and show that such encounters have been shown by humans throughout history and at different times. It also introduces the context of such encounters so that by managing the creation of contexts, the nature of encounters with divine verses can be taken care of.

According to the results of the research, belief-based encounters are those that originate from the human mind and thought, and behavioral encounters are those that are in the stage after belief-based encounters and are transferred from the human mind and thought to his organs and limbs, and are expressed in human actions and behavior. The Quran aims to

educate and teach, and in order to guide people to the right path, it needs to emphasize the wrong path and wrong behavior more and even explain its details in a complete and precise manner, in order to dry up its roots in a person. For this reason, when it talks about inappropriate encounters and confrontations, it speaks about them in a sharp and harsh tone and mentions many details, and when it talks about appropriate encounters, it passes over them with only a brief hint, because a sound heart takes the right path with only a brief hint and makes correct behavior the mainstay of its work.

فهرست منابع فارسی و عربی

۱. قرآن (ترجمه فولادوند)
۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق
۳. شهید ثانی، منیه المرید، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه‌ی امام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۷
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱
۷. نهج البلاغه، قم، انتشارات دارالهجره
۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دارالأحیاء التراث العربی، بیروت، با مقدمه شیخ آقا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی
۹. عاملی، شیخ حرّ، وسایل الشیعه، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول
۱۰. آمدی، عبدالواحد، غرالحکم، انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۱ ش
۱۱. ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه قم
۱۲. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: آخوندی، محمد تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران
۱۴. محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک وسائل الشیعه، مؤسسه آل بیت علیهم السلام لأحیاء التراث، قم، چاپ اول

یادداشت‌ها:

١. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ١٤٠٤ ق.، ج ٨٩، ص ٢٠٧.
٢. نور/ ١٨.
٣. احقاف/ ٢٧. و نیز ن.ک. اسراء/ ٤١. اعراف/ ٥٨. انعام/ ١٠٥. انعام/ ٦٥. انعام/ ٤٦.
٤. شهید ثانی، منیه المرید، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ١٣٣.
٥. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه‌ی امام علی بن ابیطالب، قم، ١٣٨٧، ج ١، ص ٢٦٦-٢٦٩.
٦. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، ج ٣، ص ١٦٢.
٧. شیخ طوسی، تفسیر التبیان، ج ٩، ص ٥.
٨. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ١، ص ٦٢-٦٣.
٩. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ١١، ص ١٥٨-١٦١.
١٠. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ١١، ص ١٧٣-١٧٤.
١١. غافر/ ١٤.
١٢. غررالحکم، خبر ٢٩١٦، صفحه ١٥٥.
١٣. ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه قم، ج ٢، ص ١٢٠.
١٤. نحل/ ٤٨-٥٠.
١٥. رعد/ ١٥.
١٦. سجده/ ١٥.
١٧. سجده/ ١٦.
١٨. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، جلد ٦، صفحه ٢٧.
١٩. اسراء/ ٤٤.
٢٠. سبأ/ ١٣. (اعْمَلُواْ اٰلَ دَاوُدَ شُكْرًا)
٢١. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، باب الشکر، ج ٢، ص ٨٠.
٢٢. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ٧، ص ٦٥.
٢٣. طه/ ١٣٠.
٢٤. طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ١، ص ٣٣.
٢٥. رعد/ ١٩.
٢٦. رعد/ ٢٨.
٢٧. طه/ ١٢٤.
٢٨. نور/ ٣٧.
٢٩. نساء/ ١٤٣.
٣٠. بقره/ ٤٠.
٣١. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ٣، ص ٣١٧.
٣٢. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ٢، ص ٤٩٨.

٣٣. مجلسي، محمد باقر، پيشين، ج ٩٣، ص ١٥١.
٣٤. مريم/ ٥٨. (أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًا)
٣٥. اسراء/ ١٠٩. (وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا)
٣٦. محدث نوري، حسين بن محمد تقی، مستدرک وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٢٤٤.
٣٧. محدث نوري، حسين بن محمد تقی، پيشين، ج ١١، ص ٢٩٦.
٣٨. حديد/ ١٦. (أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ...)
٣٩. حشر/ ٢١. (لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمُثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)
٤٠. شيخ حرّ عاملی، پيشين، ج ٦، ص ١٩٨.
٤١. مزمل/ ٢٠. (فاقرؤوا ما تيسر من القرآن)
٤٢. ص/ ٢٩. (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ)
٤٣. آل عمران/ ١١٣. (لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ)